

دو اسب در توازی

میثم روایی دیلمی

بر خطِ واقعه، آن اسب

– برجِ عجیبِ شیهه و تردید –

بارویِ خویش را

پیشِ نگاهِ مضطربش می‌دید.

پیشِ نگاه، اسبِ موازی

در خود به خونِ خودش می‌ریخت

و باره‌یی که پرید

خطی عمود

از خونِ خود

بر وقعه می‌کشید.

برجِ عجیبِ باره و بارو – اسب،

در شیهه‌های تبّش

خطِ موازیِ مرثیه بر رد بود

تردید
در توازی ایمان
عمود.

هذیانِ یال
بر برجِ مضطربِ باد؛
ایمان و باره و بارو
در یک سؤال:
بال